

روزنامه آلمانی تاتس Die Taz مقاله بالا را در واکنش به نتایج انتخابات پارلمان فرانسه منتشر کرده که واقعا خواندنی است و برای کسی که کمی دقیق تر به جزئیات آن توجه کند عبرت انگیز. همه ما که در اروپا زندگی می کنیم هر روز شاهد آن هستیم که وزن کثی سیاسی میان احزاب و سازمان های سیاسی در این کشورها دستخوش تحولات روزانه است و هر رویداد و اتفاقی تاثیر بلافصلی در این فرایندها می گذارد.

از جمله در همین انتخابات اخیر در فرانسه نیروهای حاکم انتظار داشتند که حزب دست راستی ماری لوپن برنده این انتخابات باشد و خود را آماده پشت پا زدن به آن ها از طریق سهم کردنشان در قدرت می کردند.

اما بسیج نیروها چپ و دمکرات موفقیت آمیز بود و جبهه مردمی تازه تاسیس در این انتخابات پیروز شد و سد مقاومت در برابر سیل راستگرایی در اروپا موقتا برجا ماند. حالا در برابر این پرسش قرار گرفته اند که چگونه می توان قدرت را در فرانسه شکل داد و چه نیروهایی را می توان برای مقابله با قدرت گیری چپ بسیج کرد. معمایی نیست که گرمای آتشی که در خاورمیانه برپا شده است اروپایی ها امروز بر پوست خود احساس می کنند و مرزبندی های سیاسی در اروپا دارد بر اساس بگو دوست تو کیست تا بگویم کیستی معین می شود.

یکی از ترندهای قدیمی که بسیاری آن را نخ نما و منسوخ شده می انگاشتند زدن برچسب و انگ سامی و یهودی ستیزی است که امروز به حربه کارساز سیاسی برای خارج کردن حریف و رقیب از صحنه مبارزه و طرد کردن آن ها از جمع خودی هاست.

از جمله در همین مقاله بالا هم خانم نویسنده مقاله به روال بی هوش انگاشتن خواننده با این تیتر هشدار دهنده که مخاطب را از همان ابتدا در انپاس اخلاقی قرار می دهد که وای چه نشسته ای که نام چپ را دارند خرج هر چیزی می کنند: کدام چپ را می خواهید؟ چپ ضد یهودی؟ قضیه از این قرار است که عده ای باصطلاح روشنفکر که بد طولایی در اسلام ستیزی در فرانسه دارند نامه ای نوشته اند و چپ پیروزمند فرانسه را به یهودی ستیزی متهم کرده اند زیرا جرئت کرده اند دولت کنونی اسرائیل را به قتل عام فلسطینیان غزه متهم کنند.

یعنی انتقاد از عملکردهای دولت راستگرای نتانیا هو که اسرائیلی های فراوانی آن را فاشیستی می خوانند برابر است با سامی ستیزی و یهودی ستیزی! البته نویسنده تاتس چوب را در اینجا برداشته است که چپ های آلمانی را پشت سیاست های مطلوب نیروهای حاکم به خط کند.

البته همین خط در پی تفرقه اندازی میان چپ های فرانسه نیز هست و امید ماکرون هم به این تشبثات تفرقه براندازانه است که در معرفی کابینه جدید تعلق می کند. این نویسنده که حتما تعلق خاطرگزینشی به هانا آرنه دارد از قول او می نویسد که هرکس میان بد و بدتر را انتخاب می کند فراموش می کند که باز بد را انتخاب کرده است. حالا بیا و تماشا کن که در همین دمکراسی های غربی مردم مجبور به انتخاب چه «بد»هایی بوده اند و هنوز هستند. آمریکای کنونی و انتخاب بایدن و ترامپ هم همینطور.